

بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی

مطالعه موردی: دانشکده کشاورزی فجر دانشگاه شهید باهنر کرمان

منصور محمدی دینانی، دکتر محمد حسن فولادی*

چکیده

به منظور بررسی وضعیت اشتغال، رضایت شغلی و ترکیب شغلی (خصوصی، دولتی و یا هر دو) دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و همچنین تعیین عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده کشاورزی فجر کرمان، پرسشنامه‌ای تهیه شد و برای دانش‌آموختگان سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵، در رشته‌های زراعت، اقتصاد کشاورزی و آبیاری ارسال گردید. شمار پرسشنامه‌های فرستاده شده ۳۰۰ و شمار پرسشنامه‌های تکمیل شده ۱۳۴ تا بود. نتایج تجزیه و تحلیل آمار و اطلاعات جمع‌آوری شده از ۱۳۴ پرسشنامه تکمیل شده نشان می‌دهد که نرخ

* به ترتیب: کارشناس ارشد مؤسسه پژوهشهای برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

بیکاری در بین این گروه از دانش‌آموختگان در حدود ۱۰ درصد است. اطلاعات به دست آمده همچنین نشان می‌دهد که اختلاف معنیداری میان این سه گروه از دانش‌آموختگان در شاغل بودن (پیدا کردن شغل) وجود ندارد. بخش دولتی با ۸۴ درصد، بخش عمده‌تر در جذب و ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان مورد بررسی است و بخش خصوصی تنها ۱۲ درصد از دانش‌آموختگان یاد شده را جذب کرده است. ۴ درصد از کل شاغلان نیز هر دو شغل خصوصی و دولتی را دارند. از نظر رضایت شغلی اختلاف معنیداری بین این سه گروه از دانش‌آموختگان وجود ندارد و حدود ۱۵ درصد از شاغلان از شغل خود ناراضی‌اند. نتایج به دست آمده همچنین نشان می‌دهد که دانشجویانی که در خوابگاه سکونت نداشته‌اند از موفقیت تحصیلی بالاتری نسبت به دانشجویان ساکن در خوابگاه برخوردار بوده‌اند.

کلید واژه‌ها:

اشتغال، دانش‌آموختگان کشاورزی، کرمان، رضایت شغلی، نرخ بیکاری.

مقدمه

کشاورزی ایران از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد ملی و تأمین امنیت غذایی مردم برخوردار است. این بخش توان بالقوه‌ای در تأمین غذای مردم و کسب درآمد درخور توجه ارزی دارد. اما آمار نشان می‌دهد بهره‌برداری از منابع در بخش کشاورزی وضعیت نابسامانی دارد. در سال ۱۳۷۳ از ۱۳۵ میلیارد متر مکعب آب قابل استحصال در بخش کشاورزی، ۹۵ میلیارد متر مکعب استحصال شده است که ۷۸/۴ میلیارد آن با بازدهی ۳۴ درصد در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از ۳۷ میلیون هکتار اراضی مستعد کشاورزی ۱۸/۵ میلیون هکتار یا ۵۰ درصد در چرخه تولید قرار دارد که هر ساله ۱۴-۱۵ میلیون هکتار آن به زیر کشت می‌رود (۱۱). ارزش تولیدات بخش دامپروری ۱۲/۸ درصد تولید ناخالص ملی است. دامداران کشور در حدود ۶۷۰ هزار تن گوشت قرمز و ۵ میلیون تن شیر در سال تولید می‌کنند. با این حال در حدود ۲۰ درصد از ظرفیت دامپروری ایران بی‌استفاده مانده که برای بهره‌برداری آن به ۱۵۰۰ میلیارد

ریال سرمایه گذاری نیاز است (۷). گذشته از حجم وسیعی از منابع قابل استفاده که مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد، درصد عمده‌ای از محصولات تولید شده به دلایل مختلف در فرایند بازاریابی از بین می‌رود. آمار موجود گویای آن است که ۱۰ درصد محصولات خشک و ۲۵-۳۰ درصد محصولات تر از بین می‌رود (۱۱). در زمینه تخریب مراتع و جنگلها، مراجعه به آمار شرایط بحرانی را نشان می‌دهد، به طوری که هر ساله یک میلیون هکتار مرتع و ۲۳۰ هزار هکتار جنگل دچار تخریب می‌شود. در حالی که هر ساله حداکثر در ۵۰۰ هزار هکتار از مراتع، عملیات احیایی و معادل ۴۰ هزار هکتار جنگل کاری می‌شود. در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، آمار گویای آن است که نسبت تشکیل سرمایه به ارزش افزوده از ۳/۱ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۳ کاهش یافته است.

واردات محصولات کشاورزی در سال ۱۳۶۷ معادل ۲/۸ میلیارد دلار بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۲/۶ میلیارد دلار رسیده است (۱). با توجه به این شرایط در تمام مراحل تولید تا بازاریابی محصولات کشاورزی ناگزیر به استفاده از نیروهای متخصص و تحصیلکرده‌ایم. براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ کل کشور، از ۱/۴ میلیون دانش‌آموخته دانشگاهی تنها ۱۵۷۰۰ نفر یعنی ۱/۱ درصد کل دانش‌آموختگان و ۲۷ درصد از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی در بخش کشاورزی شاغل بوده‌اند.

بی‌گمان، نیروی انسانی یکی از مهمترین سرمایه‌های هر کشور در جهت رشد و پیشرفت اقتصادی به شمار می‌آید، به طوری که اغلب اقتصاددانان معتقدند که در نهایت منابع انسانی است که روند و ویژگی توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تعیین می‌کند. در این زمینه، هایسون استاد دانشگاه پرینسون آمریکا معتقد است که منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملتها را تشکیل می‌دهد و سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید شمرده می‌شود. کشوری که نتواند مهارت و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثری بهره‌برداری کند نخواهد توانست هیچ چیزی را توسعه دهد (۵).

برخی از ویژگیهای آموزش نیروی انسانی را می‌توان این‌گونه بیان کرد که سرمایه

انسانی باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه خواهد شد؛ همچنین بسط و توسعه آموزش، رشد اقتصادی بیشتر را فراهم می‌کند (۵). اغلب صاحب‌نظران معتقدند که موفقیت چشمگیر کشورهای شرق آسیا، از توجه عالمانه به سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و مدیریت استفاده از آنها سرچشمه می‌گیرد.

به منظور استفاده مناسب و بهینه از این سرمایه، دولتها همواره در برنامه‌های توسعه خود هدفی را در جهت ایجاد اشتغال و افزایش کیفیت نیروی کار تعیین می‌کنند. اما رسیدن به هدفهای تعیین شده در اغلب کشورها به دلیل نامتناسب بودن هدفها با سیاستها، منابع و سازمانهای اجرایی، دچار مشکلاتی می‌شود. براساس هدفهای برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی، باید طی این دو برنامه ۳ میلیون و ۹۹۰ هزار شغل ایجاد شود، اما آمار و اطلاعات دقیق و قابل قبولی برای ارزیابی میزان دستیابی به این هدف وجود ندارد (۴).

بر اساس آمار و اطلاعات موجود از سرشماری نفوس و مسکن سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ نرخ رشد اشتغال در این دوره در بخش کشاورزی در حدود ۰/۹۹ درصد، در بخش صنعت در حدود ۴/۷ و در بخش خدمات در حدود ۱/۵ درصد بوده است. طی دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب ۴/۷، ۳/۴۷ و ۴۸ درصد ایجاد اشتغال شده است. همچنین آمار موجود در سالهای ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که سالانه به طور متوسط در حدود ۸۴۰۰۰ شغل ایجاد شده است که نسبت به رقم پیشینی شده در برنامه دوم توسعه یعنی ۴۰۴ هزار شغل بسیار اندک است. در این مقاله تلاش ما در جهت بررسی مسائل و مشکلات و مشخص کردن وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشاورزی است، چراکه دولت و خانواده‌ها برای آموزش و تربیت این دانش‌آموختگان هزینه‌های زیادی را تحمل کرده‌اند و ناتوانی در استفاده صحیح و بجا از آنها باعث هدر رفتن سرمایه‌های ملی و بازدهی کم آن خواهد شد. براساس آمار، هزینه تحصیل دانشجویان کشاورزی در سال ۱۳۷۵ در دانشگاههای دولتی معادل ۱۵۰-۲۰۰ میلیارد ریال بوده است (۱۱). کار آموزش عالی کشاورزی بر عهده یک دانشگاه، ۲۳ دانشکده، ۹ آموزشکده و ۴ مجتمع آموزش عالی است که

باید تربیت نیروهایی متخصص و مورد نیاز بخش کشاورزی را در دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری انجام دهند (۱۲). براساس آمار و اطلاعات موجود، تعداد دانشجویان دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی از ۴۴۵۶۲۳ نفر در سال ۱۳۶۸ به ۹۰۵۴۸۶ نفر در سال ۱۳۷۲ رسیده است. این رقم در حدود ۳۳/۴ درصد از میزان پیشینی شده در برنامه سال ۱۳۷۲ فراتر است. شکی نیست که با چنین شتابی در جذب و آموزش دانشجو (گذشته از کیفیت) در سالهای اخیر، دولت و دانش‌آموختگان دانشگاهها با مشکل بیکاری روبه‌رو خواهند شد. نشانه‌هایی از این بیکاری، هم اکنون، بویژه با توجه به اشتغال برخی از دانش‌آموختگان رشته‌های پزشکی و غیرپزشکی به کارهای خصوصی غیر مرتبط با رشته تحصیلی، نمایان شده است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چرا دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی بخوبی جذب بخش خصوصی و مزارع نشده‌اند.

در زمینه‌های مرتبط با موضوع اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در تولید و میزان گرایش آنها به کار کشاورزی و همچنین کیفیت تحصیلی آنها مطالعاتی انجام گرفته است. در مطالعه‌ای که از سوی حجازی (۳) انجام شده میزان گرایش دانشجویان به کار در مناطق روستایی مورد ارزیابی قرار گرفته است. براساس یافته‌های این تحقیق دانشجویان متولد روستا گرایش بیشتری به کار در مناطق روستایی دارند، اما ۸۰ درصد از دانشجویان مورد مطالعه (دانشکده کشاورزی کرج) ساکن شهرند.

در مطالعه دیگری که از سوی موسوی انجام شده، (۱۲) تنگناها و معضلات آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشکده کشاورزی کرج مورد بررسی قرار گرفته است. براساس نتایج به دست آمده بین سابقه کار آموزشی و فعالیتهای پژوهشی و همچنین استفاده صحیح از روشهای تدریس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (به ترتیب با ۲۲/۰ و ۲۵۱/۰ درصد).

در مطالعه دیگری که از سوی پور سعید (۲) انجام گرفته، رابطه خلاقیت و پیشرفت‌های علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ایران بررسی شده است. براساس نتایج به دست آمده،

رابطه معنیداری بین خلاقیت و پیشرفت علمی (مقطع تحصیلی / معدل کل) اعضای هیئت علمی وجود ندارد. همچنین در حدود ۶۷ درصد از این گروه، نمره خلاقیت متوسط و ۳۲ درصد نمره زیاد به دست آورده‌اند.

عوامل مؤثر بر انتقال دانش فنی از دانشکده‌های کشاورزی به مراکز ترویجی در مطالعه‌ای از سوی زمانی مورد ارزیابی قرار گرفته است (۸). نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مهمترین عامل در برقراری ارتباط بین پژوهش و ترویج بر طبق نظر صاحب‌نظران، آشنایی و آگاهی محققان دانشگاهی از اوضاع کشاورزی در منطقه است.

تأثیر شیوه تدریس بر عملکرد دانشجویان در آمریکا از سوی وید (Wade) بررسی شده است (۱۴). نتایج به دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد که دخالت دانشجویان در فرایند آموزشی و ایجاد حس اعتماد بین دانشجو و مربی، تأثیر معنیداری بر موفقیت تحصیلی دانشجویان داشته است.

توانایی بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال در مطالعه دیگری به وسیله صادق مورد بررسی قرار گرفته است (۱۰). نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بخش کشاورزی در اکثر استانهای کشور دارای توانایی جذب نیروی کار است. این ویژگی در مورد استانهای صنعتی برجسته تر است.

مشکلات و تنگناهای اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در مطالعه دیگری از سوی محسنین بررسی شده است (۱۳). نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در این گروه در حد ۹ درصد است که بالاترین نرخ در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی است.

این مطالعه به منظور بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی به عنوان گام اول در جهت برنامه‌ریزی برای به کارگیری آنها در بخش خصوصی و مزارع انجام گرفته و هدفهایی که در این مطالعه دنبال شده، عبارت است از:

۱. بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف کشاورزی.
۲. تعیین ترکیب اشتغال (دولتی، خصوصی یا هردو) دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی

۳. تعیین چگونگی و میزان تأثیر برخی از عوامل مستخب (وضعیت سکونت، تأهل، جنسیت و...) بر موفقیت تحصیلی دانشجویان دانشکده کشاورزی فجر دانشگاه شهید باهنر کرمان

۴. بررسی میزان رضایت شغلی دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی در ادامه به مواد و روشها و شیوه جمع‌آوری اطلاعات پرداخته؛ سپس نتایج و بحث آورده شده‌است.

مواد و روشها

برای رسیدن به هدفهای تعیین شده در این مطالعه و آزمون فرضیه‌ها، اطلاعات لازم با استفاده از پرسشنامه، از سه گروه از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی دانشکده کشاورزی فجر کرمان جمع‌آوری شد. جامعه آماری مورد نظر دربرگیرنده: دانش‌آموختگان سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ رشته‌های اقتصاد کشاورزی، زراعت و آبیاری دانشکده کشاورزی دانشگاه کرمان و همچنین دانشجویان سالهای سوم و چهارم همین رشته‌ها در سال گذشته تحصیلی (۱۳۷۸-۷۹) بوده‌است. علت انتخاب این سه رشته وجود دانش‌آموخته در دوره موزد بررسی است.

اغلب دانش‌آموختگان پیش از سال ۱۳۷۰ در دوره‌های کردانی مشغول به تحصیل بوده‌اند. بنابراین دوره زمانی محدود به این سالها و رشته‌ها شده‌است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که کل دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی در مقطع کارشناسی دانشگاه کرمان در جامعه آماری حضور دارند. برای دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی پرسشنامه‌ای تهیه و براساس آدرس موجود در آموزش کل دانشگاه برای آنها فرستاده شد. با استفاده از این پرسشنامه‌ها اطلاعاتی همچون وضعیت اشتغال، رضایت شغلی و میزان ارتباط شغل با رشته تحصیلی جمع‌آوری شد. سپس با استفاده از روشهای آماری و آزمونهای استقلال (آماره کای دو) آزمونهای لازم برای مقایسه دانش‌آموختگان سه رشته مورد نظر انجام گرفت.

نتایج و بحث

کل دانش آموختگان رشته‌های مورد نظر در طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ در این دانشگاه در حدود ۳۰۰ نفر بودند که برای همه آنها پرسشنامه فرستاده شد. از ۱۴۴ پرسشنامه‌ای که تا زمان تهیه این مقاله برای ما ارسال شده است، تعداد ۳۴ پرسشنامه به دلیل تغییر آدرس دانش آموخته و یا کامل نبودن آدرس ارائه شده از سوی وی، به آموزش کل برگشت خورده است. بنابراین تجزیه و تحلیل‌های مورد نیاز براساس ۱۱۰ پرسشنامه‌ای که از سوی دانش آموختگان تکمیل شد انجام گرفته است. براساس اطلاعات به دست آمده، بین دانش آموختگان این سه رشته از نظر پیدا کردن کار یا به عبارتی شاغل بودن و یا نبودن، اختلاف معنی‌داری وجود ندارد (جدول شماره ۱). آماره کای دو به دست آمده از تجزیه و تحلیل اطلاعات برابر $0/31$ است که در مقایسه با آماره کای دو جدول با درجه آزادی دو و احتمال ۵ درصد ($5/99$) فرض وجود اختلاف معنی‌دار بین حداقل دو گروه از این دانش آموختگان در پیدا کردن شغل و شاغل بودن را نمی‌توان پذیرفت. آماره T محاسباتی نیز این نتیجه را تأیید می‌کند.

جدول شماره ۱. وضعیت اشتغال دانش آموختگان برخی از رشته‌های دانشکده

کشاورزی کرمان

T	کل	زراعت	اقتصاد کشاورزی	آبیاری	وضعیت اشتغال تعداد - (درصد)
۱/۳۳	۹۹ (۹۰)	۴۴ (۹۴)	۳۷ (۹۰)	۱۸ (۸۲)	شاغل
	۱۱ (۱۰)	۳ (۶)	۴ (۱۰)	۴ (۱۸)	بیکار
	$70/4^*$	$36/2^*$	25^*	$7/6^*$	X^2
	$0/31$				

مأخذ: یافته‌های تحقیق
* معنی‌دار در سطح ۱ درصد.

از سوی دیگر بین شاغلان و بیکاران در هر کدام از رشته‌های مورد بررسی اختلاف

معنیداری وجود دارد. مقادیر کای دو ارائه شده در جدول شماره ۱، زیر هر کدام از رشته‌ها نشان‌دهنده وجود اختلاف معنیدار بین شاغلان و بیکاران هر کدام از رشته‌های پیشگفته است. اطلاعات به دست آمده همچنین نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در این جامعه آماری در حدود ۱۰ درصد و مطابق با نتایج دیگر مطالعات است (۱۳). در صورتی که افرادی را که شغلی کاملاً متفاوت با رشته تحصیلی خود دارند نیز جزء بیکاران در نظر بگیریم، این نرخ به حدود ۲۳ درصد افزایش خواهد یافت (جدول شماره ۲). نتایج آزمونهای آماری در این جدول نیز مشابه جدول شماره ۱ است. در زمینه رضایت شغلی نیز نمی‌توان فرض وجود اختلاف معنیدار بین این سه گروه دانش‌آموخته را پذیرفت. به دیگر سخن، نمی‌توان نتیجه گرفت که حداقل دو گروه از این دانش‌آموختگان نسبت به هم از نظر رضایت شغلی اختلاف معنیداری دارند. آماره T به دست آمده نیز تأیید کننده این نتیجه است. براساس اطلاعات به دست آمده در حدود ۸۵ درصد از دانش‌آموختگان از کار خود احساس رضایت کرده‌اند و ۱۵ درصد بقیه از شغل خود ناراضی‌اند (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۲. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی^۱

T	کل	زراعت	اقتصاد کشاورزی	آبیاری	وضعیت اشتغال تعداد - (درصد)
۱/۶	۸۵ (۷۷)	۴۰ (۸۵)	۲۹ (۷۱)	۱۶ (۷۳)	شاغل
	۲۵ (۲۳)	۷ (۱۵)	۱۲ (۲۹)	۶ (۲۷)	بیکار
	۳۱/۶*	۲۱/۷۸*	۶/۲*	۳/۶۸*	X ^۲
		۰/۱۲			

مأخذ: یافته‌های تحقیق
*: معنیدار در سطح ۱ درصد.

۱. دانش‌آموختگانی که شغلی بی ارتباط با رشته تحصیلی خود دارند به عنوان بیکار در نظر گرفته شده‌اند.

جدول شماره ۳. تفکیک دانش‌آموختگان از نظر رضایت شغلی

T	کل	زراعت	اقتصاد کشاورزی	آبیاری	رضایت شغلی تعداد - (درصد)
۱/۴۴	۸۴ (۸۵)	۳۷ (۸۴)	۳۰ (۸۱)	۱۷ (۹۴)	راضی
	۱۵ (۱۵)	۷ (۱۶)	۷ (۱۸/۹)	۱ (۶)	ناراضی
	۴۶/۷*	۱۹/۱*	۱۳/۱*	۱۲/۵*	X ^۲
	۰/۴۲				

مأخذ: یافته‌های تحقیق
*: معنی‌دار در سطح ۱ درصد.

در زمینه ترکیب شغلی دانش‌آموختگان، همان‌گونه که از جدول شماره ۴ مشخص است، بخش دولتی با ۸۴ درصد بخش غالب در جذب دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی به شمار می‌آید. در حالی که بیش از ۸۰ درصد از فعالیتهای بخش کشاورزی، خصوصی است. بخش خصوصی با ۱۲ درصد رتبه دوم را به خود اختصاص داده است که باید موانع جذب دانش‌آموختگان در بخش خصوصی شناسایی و برطرف شود. با توجه به آماره کای دو محاسبه شده، بین شاغلان در بخش دولتی و خصوصی اختلاف معنی‌داری وجود دارد. در حدود ۴ درصد نیز دارای هر دو شغل خصوصی و دولتی‌اند.

جدول شماره ۴. گروه‌بندی دانش‌آموختگان بر حسب ترکیب اشتغال

کل	زراعت	اقتصاد کشاورزی	آبیاری	نوع اشتغال تعداد - (درصد)
۸۳ (۸۴)	۳۷ (۸۴)	۳۳ (۸۹/۲)	۱۳ (۷۲)	دولتی
۶ (۶)	۴ (۹)	۰ (۰)	۲ (۱۱)	خصوصی مرتبط با کشاورزی
۶ (۶)	۲ (۴/۵)	۳ (۸)	۱ (۶)	خصوصی بی‌ارتباط با کشاورزی
۱۲ (۱۲)	۶ (۱۳/۵)	۳ (۸)	۳ (۱۷)	خصوصی (کل)
۴ (۴)	۱ (۲/۵)	۱ (۲/۷)	۲ (۱۱)	هر دو
۵۱/۶*	۲۰*	۲۳/۴*	۵/۱*	X ^۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق
*: معنی‌دار در سطح ۱ درصد.

بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت تحصیلی دانشجویان رشته‌های کشاورزی نشان می‌دهد که دختران بهتر از پسران درس می‌خوانند و کارایی بالاتری دارند. در حالی که تأهل تأثیر منفی بر عملکرد دانشجویان دارد، در حدود ۳۰/۷۷ درصد از دانشجویان مورد بررسی متأهل بوده‌اند (جدول شماره ۵).

جدول شماره ۵. وضعیت تأهل دانشجویان منتخب در نمونه

جنس	متأهل	مجرد
مذکر	۲۱/۴	۷۸/۵
مؤنث	۳۳/۳	۶۶/۷
کل	۳۰/۷	۶۹/۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق (ارقام برحسب درصد)

جدول شماره ۶. وضعیت سکونت و تحصیلات سرپرست خانواده دانشجویان

جنس	وضعیت	سکونت		تحصیلات سرپرست خانواده	
		مزل	خوابگاه	بالای دیپلم	زیر دیپلم
مذکر	۶۴/۳	۳۵/۷	۳۵/۷	۳۵/۷	۶۴/۳
مؤنث	۴۱/۲	۵۸/۸	۴۱/۲	۴۵	۵۵
کل	۴۶/۴	۵۳/۶	۴۶/۴	۴۳	۵۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق (ارقام برحسب درصد)

در نمونه مورد بررسی ۴۳/۱ درصد از سرپرستان دانشجویان دارای تحصیلات بالای دیپلم‌اند و ۵۶/۹ درصد تحصیلات زیر دیپلم دارند. اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که ۴۶/۵ درصد از دانشجویان از خوابگاه استفاده می‌کنند و بقیه در مزل سکونت دارند (جدول شماره ۶). چنانکه از نتایج این تحقیق مشخص است، بخش دولتی عمده‌ترین بخش در جذب و به‌کارگیری دانش‌آموختگان دانشگاهی در رشته‌های کشاورزی بوده‌است. علت اینکه دانش‌آموختگان دانشگاهها در پیدا کردن شغل در بخش خصوصی به موفقیت چندانی دست

نیافته‌اند و یا علاقه‌ای به آن ندارند، به عوامل متعددی باز می‌گردد. یکی از مهمترین دلایل آن پایین بودن کیفیت علمی دانش‌آموختگان دانشگاهها در ایران است، به طوری که حتی گفته می‌شود کیفیت علمی دانش‌آموختگان دانشگاههای ایران از دیگر کشورهای منطقه پایینتر است. وجود تعداد زیاد دانشجو در هر کلاس، نامتناسب بودن هرم هیئت علمی دانشگاهها (براساس آمار و اطلاعات موجود در سال ۱۳۷۲ نسبت استاد به دانشجو در حدود ۲۶ بوده است (۵))، کمبود امکانات آموزشی در برگیرنده: کتابخانه، آزمایشگاه و کارگاههای مورد نیاز، رقابتی شدن جذب دانشجو بین دانشگاههای غیردولتی و دولتی و گسترش مراکز آموزش عالی در ایران بدون رعایت استانداردهای لازم، از عوامل کاهش کیفیت دانش‌آموختگان دانشگاههاست. آمار موجود در مورد تعداد پژوهشگران در هر یک میلیون نفر (در صورت معتبر بودن) نشان می‌دهد که این رقم، در برنامه اول، از ۳۸ نفر در هر میلیون نفر در سال ۱۳۶۸، به ۹۱ نفر در سال ۱۳۷۲ افزایش پیدا کرده است. این میزان تنها ۳۰ درصد از میزان پیشینی شده در برنامه دوم توسعه است (۶). نکته مهم دیگری که در این باره می‌توان بیان کرد این است که جایگاه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به عنوان متولی تعلیم و تربیت متخصص در کشور در سالهای اخیر کمرنگ شده است و هر وزارتخانه با ایجاد مراکز آموزشی اقدام به تربیت نیروهای مورد نیاز خود، و بیشتر از بین کارمندان شاغل در همان وزارتخانه کرده است و نیازهای خود را به نیروی متخصص بدون توجه به کیفیت آن بر طرف می‌کند. تداخل وظایف نیز به اتلاف سرمایه‌ها و افت کارایی سرمایه‌های اختصاص یافته و همچنین ناتوانی دانش‌آموختگان این مراکز در حل مشکلات می‌انجامد.

با توجه به نکته‌های یاد شده، پیشنهادهای زیر برای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی ارائه می‌شود:

۱. کاربردی و عملیتر کردن دوره‌های آموزشی دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی به گونه‌ای که دانش‌آموختگان این دانشکده‌ها بتوانند در یکی از مشاغل مرتبط با کشاورزی فعالیت کنند و برای خود و دیگر بیکاران ایجاد اشتغال نمایند.

۲. بهادادن به پژوهش در جهت کسب رتبه‌های بالاتر و تلاش برای کاستن از مشکلات معیشتی استادان دانشگاهها.
۳. قانونمند کردن میزان پذیرش دانشجو.
۴. محدود کردن فعالیتهای دیگر وزارتخانه‌ها در انجام فعالیت موازی و تکراری با وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۵. انجام مطالعاتی در زمینه شناخت مشکلات دانشجویان ساکن در خوابگاهها و تلاش برای رفع و یا کاهش آنها.

سیاسگزاری

این مقاله، بخشی از یک طرح تحقیقاتی است که از سوی معاونت پژوهشی دانشگاه کرمان تأمین اعتبار شده‌است. بدینوسیله از معاونت و شورای پژوهشی دانشگاه شهید باهنر کرمان، معاونت و شورای پژوهشی دانشکده کشاورزی و آموزش کل دانشگاه شهید باهنر که با راهنمایی‌های ارزشمند و تأمین اعتبار و اطلاعات مورد نیاز ما را یاری کرده‌اند، سپاسگزاری می‌کنیم. امید است با اجرا و استفاده از نتایج این‌گونه طرحها گامی هر چند کوچک در راستای حل مشکلات کشاورزی ایران برداشته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. بی نام. (۱۳۷۸). ظرفیت بخش کشاورزی و راههای همگامی با توسعه. روزنامه جمهوری اسلامی، دوشنبه ۱۵ آذرماه، صفحه ۱۴.
۲. پورسعید، م. (۱۳۷۹). بررسی رابطه خلایق و پیشرفتهای علمی اعضای هیئت علمی دانشگاههای ایران. خلاصه مقالات بررسی مشکلات و چشم انداز اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی: ص ۲۵-۲۶.
۳. حجازی، ی و ح. سعدی (۱۳۷۷). سنجش گرایش دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران به کار در مناطق روستایی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، سال اول، جلد اول: ص ۴۰-۴۹.
۴. دفتر بررسیهای اقتصادی مجلس (۱۳۷۸). کارنامه سیاستهای اشتغالی در برنامه گذشته. مجلس و پژوهش، شماره ۲۰، سال ۶: ص ۲۸۳-۳۰۷.
۵. دفتر بررسیهای اقتصادی مجلس (۱۳۷۸). ارزیابی آموزش عالی در برنامه اول و دوم. مجلس و پژوهش، شماره ۲۰، سال ۶: ص ۲۵۰-۲۶۵.
۶. دفتر بررسیهای اقتصادی مجلس (۱۳۷۸). جایگاه و کارکرد تحقیقات در برنامه اول و دوم. مجلس پژوهش، شماره ۲۰، سال ۶: ص ۲۶۶-۲۸۲.
۷. روزنامه ایران (۲۷ مرداد ۱۳۷۸). سال ۵ شماره ۱۳۰۸، ۲۷، صفحه ۱۱.
۸. زمانی، غلامحسین. (۱۳۷۹). انتقال فناوری و دانش کشاورزی: مطالعه موردی ارتباط بین دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز و ترویج کشاورزی فارس. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ۴، شماره اول: ص ۲۳-۴۲.
۹. شاهنوشی، ن، س، دهقانیان، م، دانشور و محمد قربانی. (۱۳۷۹). آثار حضور نیروی کار افغانی بر شاخصهای اجتماعی - اقتصادی جامعه کشاورزی ایران: مطالعه موردی استان خراسان. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۸، شماره ۳۱: ص ۱۸۷-۲۱۶.
۱۰. صادقی، احمد. (۱۳۷۹). بررسی مزیت نسبی بخش کشاورزی از بعد اشتغال و مقایسه آن با سایر بخشهای اقتصادی. مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، جلد دوم

ص: ۷۴۴-۷۵۵.

۱۱. گزارش وزیر کشاورزی به ریاست جمهوری در خصوص وضعیت کشاورزی جهت تدوین برنامه‌ریزی بخش کشاورزی، فروردین ۱۳۷۸.

۱۲. موسوی، س. و همکاران. (۱۳۷۷). بررسی تنگناها و معضلات نظام آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشکده کشاورزی تهران. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، سال اول، جلد اول: ص ۳۲-۳۷.

۱۳. محسنین، محسن (۱۳۷۷). مشکلات و تنگنای اشتغال فارغ‌التحصیلان کشاورزی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۶، شماره ۲۳، ص: ۲۷۵-۲۹۵.

14. Wade, M.A. (2000). Improving student performance and faculty evaluation; a transactional relationship strategy. AAFA, annual meeting, Internet Website.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی